

## ی ح علی الفلاح !

کلید صلح در زور خانه های از زنگیان مست ؟

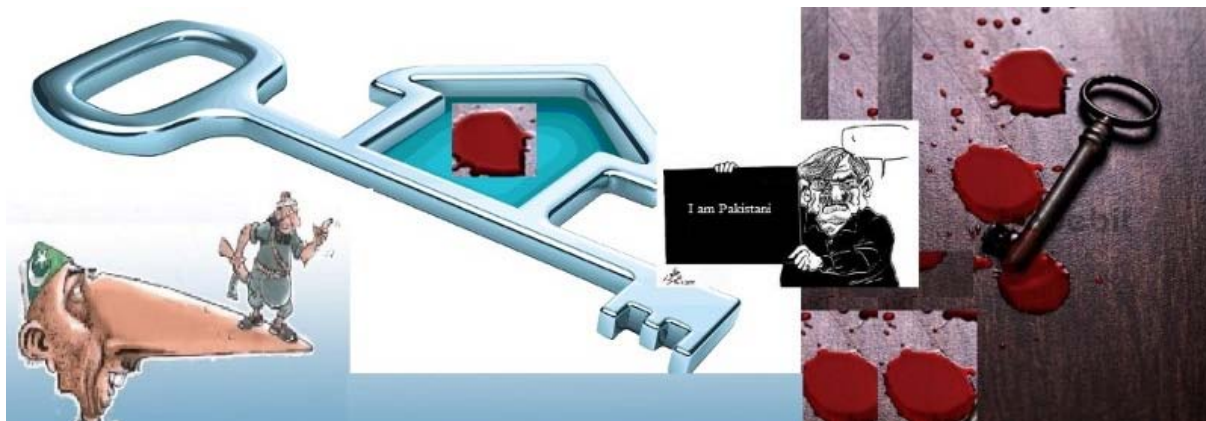


### پیوسته به گذشته بخش نود و دوم :

نخست باید جداً عذرخواهی کنم بحثی را که به مثابه ستون فقرات تمدنی و فرهنگی جامعه ما و هر جامعه دیگر بشری آغازیده بودم نا تمام ماند و در برابر سیلی از تحولات و حوادث سیاسی و اجتماعی نتوانیستم تاب بیاورم و ریشه های آنرا از کوثرانگیزه های آن به بحث نگیرم ، بناً سعی خواهم کرد آن مبحث فلسفی و تاریخی ی که پایه و اساس هر اندیشه و تفکر اعم از دینی و غیر دینی را تشکیل میدهد را در یک فرصت دیگری در حد توان و توشه علمی ام مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهم داد . چنانچه همه ما میدانیم محرمانه ترین و حساس ترین عرصه و موضوع در مورد دولتها مسأله مشروعیت آن است که بدون شک رابطه و سلطه پذیری از کشورهای استعماری به حد اکثر اش مورد مطالعه قرار می دهد . یکی از تجلیات و مظاهر حاکمیت مردم قانون اساسی در کشور افغانستان است که مردم و ملت اراده خود را در زمان نسبتاً دراز مدت و در یک سند حقوقی باید متجلی سازد ، البته ما سوا از اینکه نگرینسته شود که نخستین مسوده ء قانون اساسی جدید چگونه و بر بال های کدامین دیدگاه و هدفی به کمیته منتصب تسوید قانون اساسی افغانستان اجلال نزول فرمودند ! بحث جداگانه ای است ، اما هیچگاه آنچه را که مدعیان مشروعیت حکومت های خویش ، قانون اساسی افغانستان را وسیله مشروعیت خود می دانند و گاهی هم همین لحاف چهل تکه ای بنام قانون اساسی را وحی منزل دانسته و از تمامی شخصیت های حقیقی و حقوقی که خواهان زندگی در سرزمین افغانستان بوده باشند با جدیت میطلبند تا مفادات این وثیقه را با تمامی جزئیات آن در عمل پیاده نمایند . نباید تعجب کرد که گاهی در سلسله فرآیند چنین دعوت و فرا خوان حتی زنگیان مست و شمشیر بدستانی را که با خون و انسان کشی آدمیان از خواب بیدار میشوند و پس از نوشیدن چند جرعه ای از خون به خواب میروند نیز با القاب الطاف آمیز مانند "**برادران مخالف**" و گاهی "**مخالفین سیاسی**" نامیده میشوند !!

### کلید صلح در کجا ست ؟

چنانچه با وضاحت به مشاهده میرسد امروز در جامعه بشری بالخصوص در کشورها و جوامع اسلامی به عنوان ساحت مشروعیت یک حکومت عرصه اقتدار است و اقتدار مبتنی بر عقل و خرد جمعی در منظومه مکانیزمی موسوم به " اجتهاد پویا " و دینامیک تحقق می یابد



اما با دریغ که در واکنش با این گفتمان خرد گرای اجتهادی در همه جوامع اسلامی بویژه افغانستان انسان باشنده این قلمرو تا سرحد یک صغیر محجور و جاهل تنزل می یابد که باید بصورت دائم در جعبه های خالی با شعار های "کاغذ پیچ" شبکه های استخباراتی جستجو شود و خود به عنوان انسان های مسؤل هیچگونه اندیشه و تفکری را نکند . در چنین هنگامه است که وقتی جناح داعشی یاهمان بخش ملکی ای که بر هبیری محمد نواز شریف رهبر جناح مسلم لیگ و صدراعظم پاکستان که پس از چند سال شستشوی مغزی در مهمانسرا های خادم الحرمین شریفین در ابتدای عملیات داعشی ساختن خاورمیانه و جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۱۳ میلادی به قدرت رسید آنگاه که جنرال راحل شریف در راستای یک مأموریت امنیتی به واشنگتن فراخوانده شد



محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان نیز که مهره اصلی عربستان بشمار می رفت برخی از رهبران ناسیونالیست وابسته با ایالت خیبر پشتونخواه بر هبیری اسفند یار ولی را در قصر صدارت عظمی ملاقات نمود و از وی خواست تا با معیت گروهی از دیگر رهبران عنعنوی خیبر شتونخواه و بلوچستان همچون محمود خان اچکزی که از بسیار بدینسو در مهمانخانه های وزارت سرحدات و قبائل افغانستان حشرونشر دارند حامل پیامی به رئیس اشرف غنی و دیگر رهبران حکومت وحدت ملی افغانستان گردد که به جایی عبدالله عبدالله که قرار بود در رأس هیأتی عازم پاریس شود شخص حضرت اشرف

خان غنی رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان در کنفرانس موسوم به اقلیم United Nations Framework Convention on Climate Change را که از سوی سازمان ملل متحد هم ساله از سوی آن سازمان دائر میگردد اشتراک نمایند ،

<https://www.youtube.com/watch?v=iY2ApeJknfc>

وقتی حامد کرزی پس از ترتیب ضیافت مجلی در مراسم برای گرامیداشت از افضل خان لالا سخنرانی میکند !

و در ضمن از رئیس غنی بخواهند که در پرتو مطالبات مکرر ایالات متحده امریکا و شرکای ائتلاف جهانی ضد تروریزم جهت فشار بر تحریک طالبان طالب همکار شود . مهم است بدانیم که چه نیروهای سیاسی اعزامی به دربار کابل شامل بودند ؟ بدون شک با آسانی درمی یابیم که ترکیب هیأت نیز بیشتر آنعده رهبران سنتی شبه ناسیونالیستی که سال چند مرتبه در مهمانخانه های امنیت و وزارت سرحدات و قبائل تغذیه می شوند اشتراک داشتند که بدون اشتراک رهبران بنیادگرای مذهبی که وابسته گی آنها با سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI و نفوذ شان بر پدیده ای بنام طالبان از هیچکسی پوشیده نیست و با تنهائی بصورت پنهانی بدور از چشمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI جهت اخذ سوغاتهای تبرک شده صف بستند ،



وفقدان چنین عناصر وابسته به سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI در ترکیب هیأت اقل در فرآیند صلح هرچند مصنوعی این حقیقت را برملا ساخت و این سوال در ذهن عامی ترین افراد این جامعه مطرح شده است و اگر همه نتوانند آواز ها را تشخیص دهند ، حلقوم را که می شناسند و می بینند که راهیان این قافله از کجا و برای چه هدفی چنین حرکت شتابان را آغازیده است ؟ به هر حال هرچه و هرکسی با هر هویتی که است طبیعی نیست و این مبحث را در آینده دنبال باید خواهیم کرد ...

